

حسین من



عاشقورا



صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: یاسر اصلانی
روابط عمومی: فاطمه محمودی
تحریریه: سهیلا سادات حسینی، فاطمه محمودی، یاسر اصلانی

ماه نامه سایس من

«فرهنگی - هنری»

وابسته به انجمن تعلیم و تربیت اسلامی



وب سایت: www.sayesman.ir www.totayar.ir

@sayes_man



@totayar.ir

@nashre.tahkim.khanevade



@totayar



طراح جلد و صفحه بندی: فؤاد

رایان نامه totayar@iran.ir

Iea.iran@iran.ir

ماهنامه «سایس من» با وابستگی به انجمن تعلیم و تربیت اسلامی، رسالت خود را در حوزه ی فرهنگ و هنر دنبال می کند. از این رو نام سایس به معنای «ادب آموزنده» را برای خود انتخاب کرده است. تا این سؤال را مدام از خود بپرسد که چه کسی به من ادب آموخت؟. سایس من کیست؟



با عضویت در انجمن تعلیم و تربیت اسلامی زندگی خود را سامان دهید.

انتشارات تحکیم خانواده تولید کننده محتوای استاندارد زیر نظر انجمن

بیانات رهبری در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره ملی شهادی استان اردبیل



بسم الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصَّلَاة و السَّلَام على سَيِّدِنَا مُحَمَّد و آلِهِ الطَّاهِرِينَ سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ أرواحنا فداه.

خیلی خوش آمدید. خاطره‌ی ما از اردبیل و مردم اردبیل و روحیه‌ی اردبیلی‌ها با زیارت شماها و بیانات شافی و وافی این آقایان بحمدالله تجدید شد. همواره از روحیه‌ی مردم اردبیل و فعالیت‌های مخلصانه‌ی آنها ذهن ما بحمدالله با مشاهدات متعددی همراه بوده

من دو سه مطلب عرض میکنم: یک مطلب درباره‌ی همین مسئله‌ی اردبیل است. بنده اصرار دارم در دیدار با مردم و اهالی هر منطقه‌ای، هر شهری، هر استانی برجستگی‌هایی از آن استان را مطرح کنم تا همه بشنوند، همه‌ی مردم ایران بفهمند و خود آن مردم هم قدردان این خصوصیات باشند. اردبیل یکی از آن نقاطی است که در تاریخ ما برجستگی‌هایی دارد؛ اردبیل حقّ بزرگی بر گردن ایران دارد. من در دیدار با مردم اردبیل چند سال پیش از این، آنجا خطاب به برادران و خواهران عرض

کردم که اردبیلی‌ها دو کار بزرگ برای ایران کرده‌اند؛ یکی (یک کار ملی است، یکی یک کار مذهبی است). (۲)

کار ملی عبارت بود از وحدت کشور؛ یعنی این یکپارچگی و وحدتی که شما امروز در ایران می‌بینید، کار صفویّه است؛ این از اردبیل شروع شد، از زمان شاه اسماعیل این شروع شد. قبل از روی کار آمدن صفویّه در کشور، کشور ایران ملوک‌الطوایفی بود، هر گوشه‌ای از آن دست یک کسی بود. این مجموعه‌ای که به نام ایران شناخته میشود، که البته آن وقت وسعت و گسترش بیشتری از امروز داشت، به این صورت متحد و یکپارچه وجود نداشت. صفویّه از اردبیل برخاستند و این کشور را یکپارچه کردند که تا امروز هم باقی است. بنابراین، ما امروز یکپارچگی کشورمان را [به سبب] این کار ملی و تاریخی‌ای که انجام گرفت، مدیون اردبیلیم.

کار مذهبی هم اشاعه‌ی مذهب اهل بیت بود. البته ایرانی‌ها از قدیم به اهل بیت (علیهم السّلام) ارادت داشتند، علاقه داشتند، لکن مذهب اهل بیت رایج نبود، در غربت بود. در بعضی از نقاط کشور وجود داشت، در بسیاری از نقاط کشور نبود. خدمت بزرگی که صفویّه به کشور کردند، این بود که مذهب اهل بیت را در سرتاسر کشور ایران منتشر کردند. این محبتی که امروز شما به اهل بیت دارید، این ارادتی که دارید، این درسی که ما از مکتب اهل بیت در همه‌ی زمینه‌های سیاسی و اجتماعی و مذهبی و غیره میگیریم، به برکت آنها است.

بنابراین، با نگاه تاریخی که نگاه میکنیم، این جوری است که دو نقطه‌ی برجسته و مهم در تعامل مردم منطقه‌ی شما با کشور ایران وجود داشته است: یکی ملی است، یکی اسلامی است. در ادامه هم همین جور بوده است؛

چه حیات سیاسی و جهادی و استقلال و مانند اینها، و چه حیات علمی؛ اینها خیلی مهمند

یک جمله‌ای را آقای عاملی اشاره کردند، گفتند «ما در بزرگداشت شهیدان، در این جلسه و بزرگداشت و مانند اینها متوقف نمی‌مانیم»؛ بله، همین درست است. این کارهایی که دارید می‌کنید — حالا عرض خواهم کرد — کارهای لازم است و خیلی مهم است، لکن آنچه این کارها مقدمه‌ی آن است، عبارت است از اینکه ما راه شهیدان را دنبال کنیم، درس شهیدان را فرابگیریم و عمل بکنیم؛ این مهم است. درباره‌ی مسئله‌ی شهادت، خب واقعاً زبان ما قاصر است از اینکه بخواهیم درباره‌ی رتبه‌ی شهادت و مرتبه‌ی شهیدان عرضی بکنیم. این آیاتی که تلاوت کردند: إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَّهُمُ الْجَنَّةَ، [نشان می‌دهد که] این معامله‌ی با خدا است. يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ؛ هر دو — هم نابود کردن دشمن، هم کشته شدن در این راه — ارزش است؛ این معامله با خدای متعال است. شهید جان خودش را داده است و رضای الهی را که بالاترین ارزشهای عالم وجود، رضای الهی است کسب کرده. بعد هم خدای متعال می‌فرماید: وَعَدَّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ؛ (۳) یعنی این جزو معارف مشترک همه‌ی ادیان الهی است، مخصوص اسلام نیست. در همه‌ی ادیان الهی، فداکاری در راه خدا، جان دادن در راه خدا، این ارزش والا را دارد. این آیه‌ی سوره‌ی توبه بود، آیه‌ی سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران هم خیلی مهم است: وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا. شبیه این آیه در سوره‌ی بقره هم هست: وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ، (۴) لکن تأکیدی که در این آیه‌ی شریفه هست — لَا تَحْسَبَنَّ — تأکید خیلی واضحی است یعنی خیلی مؤکد بیان میکند. اولاً با فعل «حَسِبَ» [بیان میکند، یعنی] حتی تصوّر نکنید، به

یعنی چه از همان زمان صفویه که ملای بزرگی مثل محقق اردبیلی (رضوان الله علیه) در نجف محور علم و فقه شد که علمای بزرگ از راه‌های دور، از شامات و غیره می‌آمدند نجف و پیش ایشان تحصیل میکردند و مرحوم آقا باقر بهبهانی (رضوان الله علیه) که یکی از اعلام بزرگ تاریخ فقه شیعه است، ایشان را «شیخ الطائفه» اسم می‌گذارد — «شیخ الطائفه» تعبیری است که راجع به شیخ طوسی گفته میشود؛ مرحوم آقا باقر بهبهانی میگوید محقق اردبیلی «شیخ الطائفه» است؛ در مورد ایشان تعبیر «شیخ الطائفه» دارد — تا دوران اندکی قبل از ما، علمای بزرگ و برجسته در خود اردبیل [مثل] مرحوم آمیرزا علی‌اکبر آقای اردبیلی، ملای متنفذ و فعال، که مسجد ایشان امروز معروف است و وجود دارد، تا زمان ما، در مشهد ما مرحوم آقای آسید یونس اردبیلی، که مرجع تقلید بود و عالم درجه‌ی یک مشهد ایشان بود — علما زیاد بودند اما آن کسی که در رأس همه قرار داشت، مرحوم آسید یونس اردبیلی بود — و همین‌طور علمای گوناگونی در بخشهای مختلف حضور داشتند

در مسئله‌ی جهاد و حضور در میدان مجاهدت هم اردبیلی‌ها انصافاً جزو صفوف مقدمند، که خب تفصیلتش را آقایان اشاره کردند و گفتند. اینکه در حدود ۳۵ هزار رزمنده از اردبیل روانه‌ی جبهه‌ها شده، رقم خوبی است، رقم بالایی است. این منطقه حدود ۳۴۰۰ یا بیشتر شهید داده و جانبازهای فراوان و خانواده‌های معظم شهیدان [دارد]؛ اینها را باید حفظ کرد؛ شناسنامه‌ی اردبیل اینها است. ما در شناخت شهرها و استانهای خودمان نمیتوانیم به حدود جغرافیایی و مسائل اقلیمی و بقیه‌ی چیزها اکتفا کنیم؛ عمده اینها است؛ شناسنامه‌ی اردبیل اینها است: سابقه‌ی علمی، سابقه‌ی جهاد، سابقه‌ی شهادت و حضور در میدانهایی که حیات ملی در این میدانها تجدید شده،

ذهنتان خطور ندهید که شهدا مرده هستند؛ ثانیاً با نون تأکید [بیان میکند]. بَلْ أَحْيَاءٌ زنده‌اند. نوع زندگی اینها را خدای متعال برای ما شرح نداده که چگونه است لکن [میفرماید]: «أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ»؛ در حریم ربوبیتند، در حریم الوهیت قرار دارند. این بالاتر از این حرفهایی است که ما در باب زنده بودن به عقلمان میرسد؛ یک چیزی فراتر و بالاتر از این حرفها است. هم مقام اینها را نشان میدهد که «بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»؛ (۵) رزق الهی به اینها میرسد. این رزق الهی چیست؟ خب برای مؤمنین ارزاقی در بهشت وجود دارد و این در قرآن هست [لکن] این «یُرْزَقُونَ» غیر از آنها است؛ انسان این جور میفهمد؛ یک رزق دیگری است، یک رزق بالاتری است. یکی این مسئله است که مقام اینها را نشان میدهد، بعد پیام اینها را [بیان میکند که] «وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»؛ در این راه بیم و اندوه نیست؛ این راه، راه مسرت، راه انفتاح، راه خشنودی و خوشدلی است. این پیام اینها است؛ یعنی شهدا ما را تشویق میکنند، به ما میگویند در این راهی که ما رفتیم شما هم دنبال ما بیایید، حرکت کنید. مقام شهدا اینجوری است و اگر چنانچه انسان آیات قرآن را درباره‌ی محنتهای قیامت و برزخ تأمل کند، مورد تدبیر قرار بدهد — آن حسرتها، آن سختیها، آن فشارها را — آن وقت میفهمد که این رزق الهی و حضور در حریم ربوبیت چقدر اهمیّت دارد، چقدر ارزش دارد!

خب، حالا فقط یک نکته‌ای من عرض کنم به شما برادران عزیز و خواهران عزیز. ما با شهدا معاصر بودیم، از نزدیک دیدیم شهدا را؛ هم جهادشان را دیدیم، هم شهادتشان را دیدیم. شما این نوجوان سیزده چهارده ساله را خودتان دیدید، شهادت او را دیدید، شناختید، فهمیدید، همه چیز جلوی چشم شما است. نسل بعدی با این بداهت و با این

وضوح این مسئله را نمیبینند؛ به فکر او باید بود. ما دیدیم شهدا چطور توانستند گره‌های بزرگ را باز کنند؛ ما دیدیم که همه‌ی قدرتهای نظامی فعال و پیشرفته‌ی دنیا با هم جمع شدند و ریختند سر کشوری که تازه انقلاب کرده بود، دچار مشکلات فراوان بود، مواریت تلخ دوران طاغوت همه جا را فرا گرفته بود، برای اینکه آن را از بین ببرند و نابود کنند، و شهدا توانستند جلوی این بایستند و این حمله‌ی همه‌جانبه را خنثی کنند؛ این شوخی نیست، این خیلی مسئله‌ی مهمی است. این هشت سال دفاع مقدّس، نقش رزمندگان ما را، نقش مجاهدتهای ما و شهدای ما را در گشودن گره‌ها آشکار کرد. بعد از آن هم همین جور تا امروز؛ بعد از جنگ، بعد از دوران دفاع هشت‌ساله، جنگ نظامی ما تمام شد اما جنگ شناختی، جنگ معرفتی، جنگ اقتصادی، جنگ سیاسی، جنگ امنیتی روزبه‌روز شدت پیدا کرده، تا همین امروز. همه‌ی اینها به برکت ایستادگی‌ها، به برکت مقاومتها، به برکت شهادتها خنثی شده.

پس بنابراین، راه برای ما روشن است. راه، راه مجاهدت است، راه ایستادگی است، راه استقامت است. این راهی است که ما باید برای هموار کردن آن تلاش کنیم، فکر کنیم؛ علما یک جور، روشنفکران یک جور، دانشگاهی‌ها یک جور، صاحبان مناصب گوناگون دولتی هر کدام یک جور باید تلاش کنند. این کاری است که ما باید انجام بدهیم؛ خدای متعال هم برکت میدهد، کمالینکه به خون شهدا برکت داد. شما ملاحظه کنید، مثلاً فرض کنید شهیدی مثل شهید سلیمانی در راه خدا به شهادت میرسد، یک ملت تکان میخورد، یک ملت حرکت میکند و تمام این خطوط توهمی‌ای که بین احاد ملت هست به هم میریزد و ملت یکپارچه راه می‌افتند؛ این برکتی است که خدا به خون شهید داده. بارزترین مثال؛ خون مطهر



اباعبدالله (علیه الصلاة والسلام) است؛ امسال دشمن چه تلاشی کرد تا شاید بتواند رونق محرّم را کم کند؛ نتوانست و بعکس شد، عکس آنچه او میخواست اتفاق افتاد. امسال محرّم و دهه‌ی عاشورا گرم‌تر، پُرشورتر، پُرمعناتر، معرفت‌برانگیزتر از همه‌ی سالهای قبل بود؛ این، کار خدا است که حادثه‌ی کربلا که در یک بیابان، تقریباً در یک نصفه‌روز یا در یک روز انجام گرفت، این جور در تاریخ روزبه‌روز بیشتر اشتعال پیدا کند و عشق حسینی، مسلمان و غیر مسلمان شناسد. شما الان می‌بینید فرق مختلف مسلمان به امام حسین اظهار عشق میکنند؛ غیر مسلمانها [هم همین‌طور؛] مسیحی، زرتشتی، هندو. این راه‌پیمایی اربعین را شما مشاهده کنید و ببینید! اینها همه نشان‌دهنده‌ی ارزش‌گذاری خداوند بر روی شهادت و خون شهید و راه شهدا است؛ این را باید حفظ کرد، این را باید نگه داشت. در واقع امروز مسئولیت شما که این کار بزرگ را دارید انجام می‌دهید و نام شهدا را احیا میکنید، شبیه کار امام سجاد (علیه السلام) و حضرت زینب است. آنها هم حادثه‌ی عاشورا را حفظ کردند، نگه داشتند، تثبیت کردند و در تاریخ ماندگار کردند؛ نگذاشتند از صفحه‌ی تاریخ محو بشود، پاک بشود؛ شما هم همین کار را دارید میکنید؛ یعنی ارزش کار شما برای حفظ آثار شهدا این است.

امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال به شماها توفیق بدهد که برای حفظ نام شهیدان، یاد شهیدان، خاطره‌ی شهیدان، حوادث شهادتهای اینها، داستانهای اینها، همه‌ی روشهای لازم را دنبال کنید؛ از همه مهم‌تر هم روشهای هنری است؛ شیوه‌های هنری را هر چه بیشتر به کار بگیرید. ان‌شاءالله خدای متعال شما را مأجور خواهد داشت و این راه ادامه پیدا خواهد کرد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

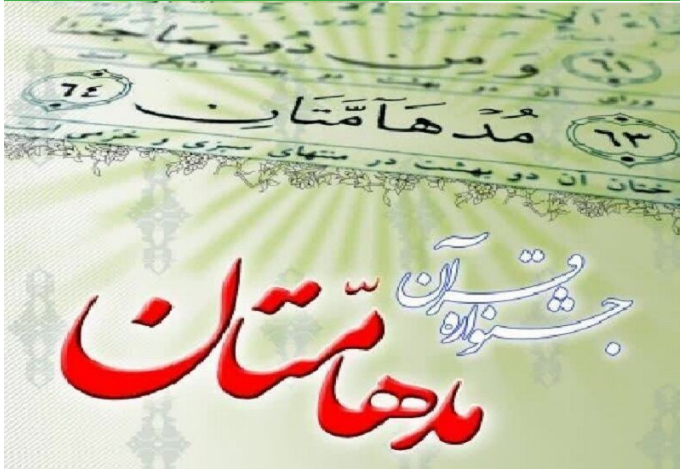
ترور نافرجام در شاه چراغ







۳۷۰ اثر به جشنواره قرآنی «مدهامتان» استان اردبیل ارسال شد



مصطفی آمون روز سه‌شنبه در گفت و گو با خبرنگار ایرنا با بیان اینکه ۳۱ تیرماه سال جاری مهلت نام‌نویسی در شانزدهمین جشنواره قرآنی مدهامتان در استان بود، افزود: در مجموع ۳۷۰ نفر از حافظان، مکبران، قراء و موزنان از مناطق مختلف استان آثار خود را به این جشنواره ارسال کردند و آثار ارسالی در آینده نزدیک داوری خواهد شد.

وی گفت: این رویداد قرآنی ویژه اعضای کانون‌های فرهنگی هنری مساجد بوده و در ۲ مرحله استانی و کشوری و در سه رده سنی زیر هفت سال (کودکان)، هفت تا ۱۶ سال (نوجوانان) و ۱۷ تا ۳۰ سال (جوانان) برگزار می‌شود.

وی با بیان اینکه مسابقات قرآنی زیربنای کشف استعدادها در حوزه قرآنی است، اظهار کرد: مسابقات قرآنی مدهامتان بزرگترین رویداد قرآنی است که توسط ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد سراسر کشور برگزار می‌شود.

بازدید ۱۰۰ هزار نفر از نمایشگاه الکامپ



به گزارش ایرنا، «صادق فرامرزی» روز سه‌شنبه در مراسم اهدای جوایز غرفه‌های برتر نمایشگاه بین‌المللی الکامپ، گزارشی از عملکرد این نمایشگاه ارائه کرد.

وی گفت: الکامپ بیست و ششم پس از سه سال در سال ۱۴۰۲ و در ۱۳ سالن برگزار شد. بیش از ۱۰۰ هزار نفر از این نمایشگاه بازدید کردند. با کمک وزارت ارتباطات ۵۰ هیات تجاری را از کشورهای مختلف میزبانی کردیم که به ۶۰۰ جلسه با شرکت‌های ایرانی برگزار شد.

عضو سازمان نظام صنفی رایانه‌ای استان تهران (نصر) با بیان اینکه این نمایشگاه از معدود نمایشگاه‌هایی بود که بدون کمک مالی دولت برگزار شد خاطر نشان کرد: در حوزه محتوا کار ویژه‌ای انجام شد و هر روز تمام برنامه‌ها و پنل‌های اجرا شده در کانال آپارات بارگزاری می‌شد. غرفه ویژه به نام «تینواستارز» برای دانش‌آموزان برپا شد تا بتوانند با دنیای واقعی فناوری ارتباطات آشنا شوند و می‌توان گفت این غرفه گل سرسبد نمایشگاه بود. ویژگی دیگر امسال حضور شرکت‌های رمز ارز بود.

رحمن به معنای ۲ باغ سرسبز و خرم است و از آن جا که چنین رنگی نشانه نهایت شادابی و طراوت گیاهان و درختان است، این تعبیر بیانگر نهایت خرمی بهشت است.

حدود ۶۰۰ کانون فرهنگی، هنری با عضویت بیش از ۱۰۰ هزار نفر در مساجد استان اردبیل فعال است که از این تعداد ۶۰ درصد در مناطق روستایی و ۴۰ درصد نیز در مناطق شهری قرار دارد.

هشت فعال قرآنی خراسان شمالی

به مسابقات کشوری «مدهامتان» راه یافتند

حجت‌الاسلام حبیب‌الله پاکدامن روز دوشنبه در گفت و گو با خبرنگار ایرنا اظهار کرد: مهلت نام‌نویسی در شانزدهمین جشنواره قرآنی مدهامتان در ۳۱ تیرماه سال جاری بود که در مجموع ۲۲۲ نفر از حافظان، مکبران، قراء و موزنان از مناطق مختلف استان آثار خود را به این جشنواره ارسال کردند.

وی افزود: این دوره از مسابقات در ۲ بخش کلی ویژه اعضا در رشته‌های قرائت تحقیق، قرائت تقلیدی، مفاهیم، اذان، قرائت ترتیل، حفظ کل، حفظ جزء ۳۰، مکبری، قرائت نماز، استعدادیابی، معارف اهل‌بیت و نیز بخش کانونی در رشته‌های طرح مسجد پایگاه قرآنی، طرح تلاوت نور و تولیدات هنری بود.

مدیرستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد خراسان شمالی خاطر نشان کرد: افراد ثبت نام کننده در سه رده سنی کودکان زیر هفت سال، نوجوانان رده سنی هفت تا ۱۶ سال و جوانان نیز برای فعالان قرآنی ۱۷ تا ۳۰ سال با هم رقابت کردند.

مدیر ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد استان اردبیل بیان کرد: شانزدهمین جشنواره قرآنی مدهامتان در رشته‌های قرائت تحقیق، قرائت تقلیدی، مفاهیم، اذان، قرائت ترتیل، حفظ کل، حفظ جزء ۳۰، مکبری، قرائت نماز، استعدادیابی و معارف اهل بیت (ع) برگزار می‌شود.

آمون اضافه کرد: امسال علاوه بر موارد فوق برای نخستین بار مسابقه در ۲ رشته مساجد و پایگاه‌های قرآنی و تولیدات هنری در جشنواره قرآنی برگزار خواهد شد.

وی با بیان اینکه نفرات برتر مرحله استانی به مرحله کشوری راه خواهند یافت، ادامه داد: علاوه بر تجلیل و اهدای جوایز به نفرات برتر، از آنها تا پایان سال حمایت‌های قرآنی خواهد شد.

وی گفت: پارسال در پانزدهمین دوره این جشنواره سه نفر از استان اردبیل در رشته‌های مختلف به مرحله کشوری راه یافتند که رسول تمجید در رده سنی جوانان در رشته قرائت تحقیق موفق به کسب رتبه اول کشوری شد.

مدیر ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی، هنری مساجد استان اردبیل ترویج معارف قرآنی در جامعه، توجه به مساجد به عنوان پایگاه اصلی قرآنی، تحکیم پیوند مسجد، قرآن و مردم و کشف استعداد‌های قرآنی در محلات و مساجد را از اهداف اصلی برگزاری جشنواره قرآنی مدهامتان ذکر کرد.

نام این مسابقات (مدهامتان) برگرفته از آیه ۶۴ سوره

را این بار در مقابل پارلمان سوئد به آتش کشید. وی پیشتر همزمان با عید قربان نیز با انجام این عمل شنیع، خشم عراقی‌ها و بیش از ۲ میلیارد مسلمان را در سراسر جهان برانگیخته بود.

آن گونه که «ولید المقدادی» روزنامه‌نگار تحقیقی در شبکه «روسیا الیوم» می‌گوید: «سلوان مومیکا» اهل استان نینوا در شمال عراق و یک لیبرال، ملحد و افراطی است؛ او بنیانگذار حزب دموکراتیک سریانی و فرمانده یک گروه مسلح به نام «صقور السریان» بود که برای آزادسازی استان نینوا از اشغال داعش تشکیل شده بود. به گفته او، سلوان مومیکا در سال ۲۰۱۷ (۱۳۹۶) به اتهام جنایت جنگی دستگیر شد و سپس با دخالت کشورهای غربی آزاد شد. مومیکا به سوئد رفت و اکنون هم به یکی از احزاب تندروی این کشور پیوسته است. این فرد هتاک صرفاً به دنبال شهرت است نه بیشتر و اگر تفکر و ایده مشخصی داشت، هرگز دست به این کار نمی‌زد.

صدای بلند اعتراض، خارج از جهان اسلام

تردیدی وجود نداشت که نخستین واکنش‌ها به هتک حرمت‌های مکرر در کشورهای سوئد، دانمارک و هلند از سوی مسلمانان صورت گیرد؛ واکنش‌هایی که به صورت یکپارچه در دو سطح عمومی و رسمی-دیپلماتیک صورت گرفته‌است که برخی از این اقدامات عبارتند از: برگزاری تجمعات اعتراضی در کشورهای مسلمان، تعطیلی سفارت سوئد در عراق، احضار سفیر سوئد در کشورهای ایران، عربستان، قطر و امارات، تحریم کالاهای سوئدی، فشار مردم مسلمان بر دولت‌های خود برای قطع روابط با سوئد و غیره.

همصدایی رهبران جهان علیه اهانت به قرآن کریم



هران- ایرنا- همزمان با تکرار اهانت به اسلام در کشورهای شمال اروپا، صدای اعتراض به این تندروی افسارگسیخته در خارج از جهان اسلام نیز آشکارا به گوش می‌رسد؛ آنان به این درک رسیده‌اند که سکوت در این زمینه، نتیجه‌ای جز تشدید نژادپرستی، تفرقه‌افکنی، تجویز بی‌احترامی به دیگر ادیان آسمانی و حتی رویارویی پیروان آنها ندارد.

این روزها اخبار مرتبط با هتک حرمت قرآن کریم در کشورهای حوزه اسکاندیناوی به تیر یک رسانه‌های جهان تبدیل شده‌است؛ اهانتی که در لوای آزادی بیان و تحت حمایت نیروهای امنیتی همواره تکرار می‌شود.

تازه‌ترین خبرها به مجوز پلیس استکهلم به یک زن ناشناس برای قرآن‌سوزی در استکهلم مربوط می‌شود؛ اقدام غیرانسانی که «سلوان مومیکا» مهاجر ۳۷ ساله عراقی و شهروند کنونی سوئد باره‌مقابل چشمان صدها مسلمان انجام داده‌است.

چند روز پیش این شهروند افراط‌گرای سوئدی به طور مجدد در یک اقدام هتاکانه دیگر یک نسخه از قرآن کریم

دوازدهم تیرماه امسال «پاپ فرانسیس» رهبر کاتولیک‌های جهان در واکنش به سوزاندن قرآن مقابل مسجد اصلی شهر استکهلم پایتخت سوئد، اعلام کرد که سوزاندن کتاب مقدس مسلمانان او را عصبانی و منزجر کرده‌است و افزود که هیچ کتاب مقدسی نباید هتک حرمت شود و این ایده را رد می‌کند که اعتراض‌های توهین‌آمیز باید به نام آزادی بیان مجاز باشد.

پاپ در مصاحبه‌ای که به تازگی در روزنامه «الاتحاد» چاپ امارات منتشر شده، گفته‌است که هر کتابی که مقدس شمرده می‌شود باید برای احترام به کسانی که به آن اعتقاد دارند، مورد احترام قرار گیرد. آزادی بیان هرگز نباید به عنوان ابزاری برای تحقیر دیگران استفاده شود و اجازه دادن به (این قبیل اقدام‌ها) رد و محکوم است. جوسپ بورل «مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در واکنش به قرآن‌سوزی با قاطعیت ویژگی‌هایی چون نژادپرستی، بیگانه‌هراسی و تحمل‌ناپذیری را در اتحادیه اروپا رد و اعلام کرد که «اتحادیه اروپا هر گونه تحریک به نفرت مذهبی و عدم مدارا» را قویا و قاطعانه رد می‌کند و بر اهمیت احترام به سایر جوامع مذهبی تاکید کرد.

افراط‌گری نه به منطقه مشخصی از جهان محدود می‌شود و نه مختص دین و مذهب خاصی است. هم چنین نمی‌توان تنها در محدوده یک منطقه خاص و یا با اتکای صرف بر سخت‌افزارهای نظامی با آن مقابله کرد.

در این بیانیه آمده‌است که «هتک حرمت به قرآن یا هر کتاب دیگری که مقدس شمرده می‌شود؛ توهین‌آمیز، بی‌احترامی و یک حرکت تحریک‌آمیزانه آشکار است. نژادپرستی، بیگانه‌هراسی و عدم تحمل جایی در اتحادیه

اهانت به قرآن مجید از سوی «آنتونیو گوترش» دبیر کل سازمان ملل نیز بی‌پاسخ نماند و وی با اشاره به دریافت نامه آیت الله سیستانی درباره حادته قرآن سوزی در سوئد اعلام کرد: پیام آیت‌الله العظمی سیستانی را دریافت کردم و از تلاش‌های ایشان کمال تشکر را دارم و به زودی نامه‌ای در جواب ایشان خواهم نوشت. او در مورد نامه سیستانی در هتک حرمت به قرآن حرف می‌زند.

با همه این تفاسیر، انتظار می‌رود فردی که بر مسند دبیر کلی سازمان ملل متحد تکیه زده است، مواضع سریع‌تر و قاطع‌تری در این راستا اتخاذ کند؛ موضعی که خوشبینی مسلمانان را به تصمیم‌های این نهاد معتبر بین‌المللی افزایش دهد.

ولادیمیر پوتین «رئیس جمهور روسیه یکی از نخستین» کسانی بود که به سوزاندن قرآن در سوئد واکنش نشان داد. پوتین در واکنش به هتک حرمت به ساحت مقدس قرآن کریم در این کشور اروپایی تصریح کرد: بی‌احترامی به قرآن در روسیه جرم است. روابط میان مسلمانان و ارتدوکس‌ها باعث تقویت اتحاد میان ملت ما می‌شود.

وی تاکید کرد که «قرآن برای مسلمانان مقدس است و باید برای دیگران نیز مقدس باشد. ما همیشه از این قوانین تبعیت خواهیم کرد»؛ موضعی که از سوی مقام‌های پکن نیز به نحو دیگری تکرار شد.

وانگ ونبین «سخنگوی وزارت خارجه چین با بیان اینکه «چین محکومیت شدید خود را علیه سوزاندن قرآن اعلام می‌کند»، گفت که پکن همواره با هر گونه اسلام‌هراسی مخالف بوده‌است. همه تمدن‌ها باید به یکدیگر احترام گذاشته، در مقابل همدیگر بردباری داشته و از یکدیگر بیاموزند.

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو با تصویب قطعنامه پیشنهادی کشورهای اسلامی اهانت به قرآن کریم را محکوم کرد و خواستار بررسی این موضوع و گزارش دهی کمیسر عالی حقوق بشر شد.

این قطعنامه ضمن محکوم کردن شدید اهانت به ادیان، از جمله اقدام‌های اخیر در اهانت به قرآن کریم در برخی کشورهای اروپایی، خواستار بررسی این موضوع توسط کمیسر عالی حقوق بشر و گزارش دهی به این شورا شد. در این قطعنامه همچنین از دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر و سایر سازوکارهای شورای حقوق بشر خواسته شده که با در نظر گرفتن خلاهای قانونی در جرم‌انگاری اهانت به ادیان، توصیه‌های لازم را به کشورها برای رفع این خلاءهای قانونی ارائه کنند.

لازم به بیان است که آمریکا، انگلیس و نیز بلژیک به نمایندگی از اتحادیه اروپا با تصویب این قطعنامه مخالفت کردند اما شورای حقوق بشر با رای قاطعی آن را تصویب کرد.

مجمع عمومی ۱۹۳ عضوی سازمان ملل متحد، قطعنامه پیش‌نویس مراکش را با اجماع به تصویب رساند که در آن هرگونه خشونت علیه کتاب‌های مقدس به عنوان نقض قوانین بین‌المللی محکوم شده است. سخنگوی رئیس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در این زمینه اعلام کرد که این مجمع، قطعنامه‌ای را برای «ترویج گفتگوی بین ادیانی به تصویب رسانده‌است» که «از هرگونه اقدام علیه کتاب‌های مقدس به شدت ابراز تاسف می‌کند و این گونه حوادث را نقض قوانین بین‌المللی می‌داند.»

باز گذاشتن دست تندروها و خالی کردن زمین بازی برای آنها، نتیجه‌ای جز تشدید نژادپرستی، بیگانه‌هراسی، تجویز بی‌احترامی به دیگر اعتقادات و ادیان آسمانی و معضله‌هایی از این دست ندارد

اهانت به قرآن مجید از سوی «آنتونیو گوترش» دبیر کل سازمان ملل نیز بی‌پاسخ نماند و وی با اشاره به دریافت نامه آیت الله سیستانی درباره حادته قرآن سوزی در سوئد اعلام کرد: پیام آیت‌الله العظمی سیستانی را دریافت کردم و از تلاش‌های ایشان کمال تشکر را دارم و به زودی نامه‌ای در جواب ایشان خواهم نوشت. او در مورد نامه سیستانی در هتک حرمت به قرآن حرف می‌زند.

با همه این تفاسیر، انتظار می‌رود فردی که بر مسند دبیر کلی سازمان ملل متحد تکیه زده است، مواضع سریعتر و قاطع‌تری در این راستا اتخاذ کند؛ موضعی که خوشبینی مسلمانان را به تصمیم‌های این نهاد معتبر بین‌المللی افزایش دهد.

ولادیمیر پوتین» رئیس جمهور روسیه یکی از نخستین کسانی بود که به سوزاندن قرآن در سوئد واکنش نشان داد. پوتین در واکنش به هتک حرمت به ساحت مقدس قرآن کریم در این کشور اروپایی تصریح کرد: بی‌احترامی به قرآن در روسیه جرم است. روابط میان مسلمانان و ارتدوکس‌ها باعث تقویت اتحاد میان ملت ما می‌شود.

وی تاکید کرد که «قرآن برای مسلمانان مقدس است و باید برای دیگران نیز مقدس باشد. ما همیشه از این قوانین تبعیت خواهیم کرد»؛ موضعی که از سوی مقام‌های پکن نیز به نحو دیگری تکرار شد.

وانگ ونبین» سخنگوی وزارت خارجه چین با بیان اینکه «چین محکومیت شدید خود را علیه سوزاندن قرآن اعلام می‌کند»، گفت که پکن همواره با هر گونه اسلام‌هراسی مخالف بوده‌است. همه تمدن‌ها باید به یکدیگر احترام گذاشته، در مقابل همدیگر بردباری داشته و از یکدیگر بیاموزند.

بقاء جامعه با فرزند کمتر یا بیشتر؟

سیر نزولی فرزندآوری و کاهش تعداد فرزندان در یک خانواده تا جایی پیش رفت که در جامعه ما نهادینه و به یک رویه تبدیل شد تا اینکه رهبر معظم انقلاب اسلامی از ابتدای دهه ۹۰ مکرر تذکرات جدی به دولتمردان برای ورود به موضوع جوانی جمعیت و تدوین دستورالعمل‌ها و قوانین در این باره دادند.

سیاست‌های کلی جمعیت قریب به یک دهه پیش با تدبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی تبیین و در اردیبهشت سال ۱۳۹۳ ابلاغ شد.

با وجود ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت در سال ۹۳ از سوی رهبری اما دولت و مجلس شورای اسلامی دیر به این موضوع ورود پیدا کرد و تدوین قانونی مشخص در این زمینه تا سال ۱۴۰۰ زمین ماند تا اینکه بالاخره با روی کار آمدن دولت سیزدهم و با درک درست اهمیت این مساله و همکاری مجلس یازدهم این قانون مهم و نیاز اساسی کشور به تصویب رسید.

قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در ۲۴ مهرماه ۱۴۰۰ و در جلسه کمیسیون مشترک طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و پس از آن نیز در ۲۴ آبان ماه همان سال توسط رییس جمهور ابلاغ شد.

حمایت از جوانان در آستانه ازدواج یا زوجهای جوان، زوجین نابارور و پیشگیری از ناباروری، حمایت از مادران برای دوران بارداری و زایمان و شیردهی، حمایت از خانواده‌های دارای سه فرزند و بیشتر، حمایت‌های مالی

شیراز-ایرنا-قانون نوپا جوانی جمعیت تا چند ماه آینده ۲ سالگی را پشت سر خواهد گذاشت و طی این مدت نه چندان طولانی اقداماتی در سطح استان فارس صورت گرفته تا خانواده‌ها به فرزندآوری ترغیب شوند و ضروری است که مسئولان و به خصوص آحاد جامعه با اهمیت این قانون مهم که اصلی برای بقاء جامعه بشمار می آید، بیشتر آشنا شده و آن را جدی بگیرند.

به گزارش ایرنا، حدود ۲ تا سه دهه از زمان تبلیغات وسیع فرزند کمتر؛ زندگی بهتر نمی‌گذرد و اغلب قریب به اتفاق متولدین دهه ۶۰، ۵۰ و ۷۰ با این جمله کلیشه‌ای آشنا هستند، زمانی که بر بیلبوردها و تبلیغات شهری و محیطی این شعار نقش بسته و همگان را به جلوگیری از فرزندآوری ترغیب می‌کردند.

تا همین چند سال پیش هم عمل‌های جراحی سرپایی برای جلوگیری از بارداری به صورت رایگان در کشور انجام می‌شد.

قطعا سازندگان این شعار به عواقب آن فکر نکرده بودند و جامعه ایرانی نیز که در آن زمان گذری تاریخی از زندگی محلی و سنتی به مدرن را تجربه می‌کردند با این ایده همسو شده تا جایی که برخی نیز فرزند کمتر را نشانه تجدد و مدرنیت می‌پنداشتند.

خواسته یا ناخواسته شعار فرزند کمتر، زندگی بهتر بقاء یک تمدن را نشانه رفته بود تا اینکه در حال حاضر نرخ باروری به ۱.۶۷ کاهش پیدا کرده و فاصله کمی با سیاهچاله جمعیتی داریم.



برای تولد چندقلوها و به طور کلی ارائه تسهیلات اقتصادی و اجتماعی به خانواده‌ها مهمترین مولفه‌هایی است که این قانون ۷۳ ماده‌ای دنبال می‌کند. مدیرکل ثبت احوال استان فارس در گفت و گو با خبرنگار ایرنا، گفت: در تیرماه امسال ۸۶ هزار و ۴۰ ولادت در کشور ثبت شده است.

سید عباس هاشمی افزود: چهار هزار و ۳۸۹ ولادت نیز در تیرماه امسال در استان فارس ثبت شده است. وی ادامه داد: در تیرماه امسال هزار و ۵۹۳ نفر ولادت دوقلو و ۶۹ مورد تولد سه قلو در کشور ثبت شده است. مدیرکل ثبت احوال استان فارس اضافه کرد: تیرماه امسال در فارس نیز ۸۵ مورد تولد دوقلو و سه مورد تولد سه قلو ثبت شده که ۲ مورد سه قلوهای تیرماه امسال فارس در شیراز و یک مورد در آباده ثبت شده است.



وی در ادامه به وضعیت ولادت در شیراز اشاره کرد و گفت: در تیرماه امسال ۲ هزار و ۱۹۶ نفر در شیراز متولد شده است.



بیش از ۱۸ هزار تولد طی چهار ماهه نخست امسال در فارس هاشمی در ادامه آمار ولادت چهار ماهه اول امسال را ارایه کرد و افزود: از ابتدای سال ۱۴۰۲ تا پایان تیرماه امسال ۱۸ هزار و ۱۴۵ مورد ولادت در فارس ثبت شده است.

وی ادامه داد: در چهار ماهه اول امسال تولد ۳۴۰ مورد دوقلو، ۱۹ مورد سه قلو و ۲ مورد چهار قلو در فارس ثبت شده است.

دختران مقاوم

سهیلا سادات حسینی: فیلم سینمایی «دسته دختران» به تهیه کنندگی محمد رضا منصوری در صحنه‌ی آغازینش با بهره‌گیری مناسب از فضا و عواطف انسانی، حس لطیفی را به بیننده تزریق می‌کند. نمایش کامل آن حادثه می‌توانست ضمن به تعلیق کشاندن مخاطب، نقطه اوجی رقم بزند که علاوه بر بیان پیرنگ اصلی فیلم، کنجکاو را جایگزین ابهام نماید. منیر قیدی کارگردان این اثر که در «وبلاگی‌ها» حوزه‌ی دغدغه‌مندی زنانه اش به دفاع مقدس را نشان داده بود. در همان راستا با انتخابی ناب، هوشمندانه و مطابق با نیاز جامعه، برگرفته از خاطرات دفاع مقدس به تصویرگری زنان مبارز پرداخت. تجربه‌ای که مهارت و تسلطش در کارگردانی را به رخ کشید.

او به همراه ابراهیم امینی و میلاد اکبرنژاد، داستانی با شخصیت‌های ساختگی به رشته‌ی تحریر درآوردند. فیلم نامه‌ای که بدون داشتن پیرنگ اصلی ساختارمند، موجب رهاشدگی و منفک بودن سکانس‌ها گردید و این جذابیت خرده پیرنگ‌ها در کنار تصاویر بدیع بودند که مخاطب را با خود همراه می‌کردند. یکی از تأثیرگذارترین خرده پیرنگ‌ها، جنت آباد بود که نشانی از آبادی نداشت. اندک افرادی که عزیزانشان را از دست داده و در فضایی غبارآلود مبهوت بودند. ذرات معلق که گویا ارواح شهدای بی‌نامی بودند که نمی‌خواستند دست از مقاومت بردارند و جسم هایشان مانند خاکریزی هم‌چنان مقاومت را مشق میکرد. تصاویری که به مدد تسلط عواملی چون فیلمبردار، طراح صحنه، جلوه‌های ویژه و... هنرمندانه خلق شدند. صحنه‌هایی باورپذیر از آوارگی‌ها، ویرانی‌ها و بی‌رحمی‌های جنگ در بستر شهر، با حضور زنان و کودکان که

حس درد، غم، بی‌پناهی و عظمت مصیبت را به مخاطب می‌چشانند. اینگونه است که نمایش واقعی و دردناک وقایع، دل‌ها را نمی‌خراشاند بلکه به درد می‌آورد. آنچه که از نگاه داوران چهلمین دوره‌ی جشنواره فجر نیز مغفول نماند و سیمرغ بلورین بهترین جلوه‌های ویژه‌ی تصویری را از آن خود نمود.

این فیلم نامه که دارای شخصیت پردازی ضعیفی بود با بازی غیر حرفه‌ای و غیر منسجم نیکی کریمی در نقش خانم معلم به عنوان قهرمان اصلی، بیشتر نمود پیدا کرد و ارتباط مخاطب را دچار اختلال نمود. اما در نقش‌هایی چون سیمین، وجیه و پسر جوان با بازی فرشته حسینی، پانته آ پناهی‌ها و علی سلیمانی این نقیصه تا حدودی پوشش داده شد. تا جایی که فرشته حسینی در نقش سیمین توانست دیپلم افتخار بهترین بازیگر نقش مکمل زن از چهلمین دوره جشنواره فجر را دریافت نماید.

ساختن چنین آثاری که دلآوری‌ها، از خودگذشتگی‌ها، مقاومت‌ها و جان‌فشانی‌های ایرانیان را به تصویر می‌کشند تا در جریده‌ی تاریخ ثبت گردند به خودی خود ارزشمند و قابل تقدیر هستند. حال در این راه هر چه تنگاتنگ‌تر با واقعیت قدم بردارند و هنرمندانه‌تر به جلوه‌گری بپردازند. مخاطبان بیشتری را جذب نموده و حیطة تأثیرگذاری‌شان فزونی می‌یابد.

•••••
• @totayar.ir اینستاگرام @sayes_man •

• @totayar سروش و ایتا و آی‌گپ •

• تلفن: ۷۷۸۴۹۸۴۹ •

• www.totayar.ir •

• www.sayesman.ir •

•••••

روز رستاخیز به دور از حواشی

سهیلا سادات حسینی: در بررسی فیلم «روز رستاخیز» با گذر از تمام حواشی فرهنگی، اعتقادی، سیاسی و حاشیه‌های اصلی‌اش در نمایش چهره‌ی امامزادگان خصوصاً حضرت عباس (ع)، بدون تأیید و رد که نیازمند علم آن حیطة است، صرفاً به خود فیلم پرداخته می‌شود.

داستان کامل، عمیق و پربار عاشورا از هر حیثی اعم از محتوا، فراز و فرود، ماجراجویی، جذابیت، شخصیت‌ها و هر چیزی که یک اثر هنری نیازمندش است را در اختیار کارگردان قرار می‌دهد. غنی‌ترین روایتی که با پتانسیل بی‌نظیرش می‌تواند یک خرده‌داستان را به اثری فاخر بدل گرداند که نمونه‌های آن را کم ندیده‌ایم. فقط باید ببینی هدف‌ت چیست و کدام حرف این واقعه را می‌خواهی به تصویر بکشی. انتخابی که رسالت فیلم را مشخص می‌کند. به همین جهت، کارگردانی که به سراغ واقعه‌ی عاشورا می‌رود. دستش پر است. گزینشی که احمد رضا درویش کارگردان فیلم در آن ناکام ماند. برای به بار رسیدن یک محصول باید شاخ و برگ‌های اضافی را هرس کرد. اما او در لابه‌لای این شاخ و برگ‌ها دست و پا زد و حاصل نارسش به خاطره‌ها نرسیده، فراموش شد.

وقایع متعددی که جویده‌جویده و عجولانه فقط اجرا شدند نه اینکه ساخته و پرداخته و به نمایش درآمده باشند. عدم شخصیت‌پردازی مناسب با دیالوگ‌های سطحی، بازی‌های کلیشه‌ای، صحنه‌های غیر حرفه‌ای و عوامل بسیار دیگر، موجب گردید. فیلم، بدون کمترین برانگیختگی حسی در مخاطب، صرفاً منولوگی باشد با

یک راویِ نابلد. فیلم ساخته شده از واقعه‌ای که مردم بعد از گذشت چهارده قرن با لحظه‌لحظه‌اش گریه می‌کنند. نتوانست با استفاده از تمام ابزارهای نمایشی، مخاطبش را متأثر ساخته و اشک را مهمان چشمانش کرده و شور و حرارت ذاتی این واقعه را به قلب‌ها بیاورد، که اگر چنین بود. عدم اکرانش، به هیچ وجه نمی‌توانست مانع از استقبال عاشقان آن حضرت گردد و نیازی نبود برای دیدنش به دنبالش بروی؛ بلکه صحنه‌های آن در طی این سال‌ها بارها و بارها بین مردم دست به دست می‌شد.

این عدم اقبال عمومی خود گویای همه چیز است. درویش به جای بهره‌گیری از فرصت نمایش چهره‌های امامزادگان جهت افزودن بر جذابیت کارش، با سطحی‌نگری آن را به نقطه ضعفش تبدیل نمود. تصویر حضرت ابوالفضل العباس (ع) در ذهن مخاطبان بسیار واقع‌گرایانه‌تر از آن چیزی بود که وی به نمایش درآورد. گویا او فقط نزدیکی شمایل بازیگر به تصویر احتمالی ایشان را مدنظر داشته است؛ نه نمایش خلیقات و رفتارشان که باید حداقل ادب، احترام، رأفت، غیرت و شجاعت به طور مشهودی به مخاطب منعکس می‌شد. اما این خشونت بود که به جای شجاعت به تصویر کشیده شد. وی حتی نتوانست شخصیت برجسته‌ی امام حسین (ع) را آنطور که شایسته است نمایش دهد. گویا مشکل این کارگردان صرفاً عدم استفاده از هاله‌ی نور بوده است.

همان کاری که فخریم زاده بیش از دو دهه‌ی قبل، در سریال ولایت عشق با وجود تمام محدودیت‌ها، هنرمندانه و به بهترین شکل ممکن از شخصیت امام رضا (ع) به نمایش درآورد. آنچه مبرهن است. کسانی که به سراغ خلق چنین آثاری می‌روند. باید در حرفه‌شان تناسبی با بزرگی آن وقایع داشته باشند و پرداختن به شخصیت‌های مهم مذهبی نباید به دست هر کارگردانی سپرده

آموزه های من:

پویانمایی پاندای کونگ فوکار

پویا نمایی خرسی مهربان و قوی، پاندایی که همچون نام و رسمش خاص و تو دل برو است. خرسی شجاع و صبور اما مهربان. صفتی که بی توجه به هیکل قویش او را زیبا و دلنشین کرده است. خرسی غافل از نیروی پنهان خود توسط لک لکی آشپز، رشد می کند و به نشان جنگجویی ازدها می رسد. نکته ای که توجه بدان در این پویا نمایی بسیار حائز اهمیت است که کودکان بیاموزند که برای رسیدن به جایگاه بالا و تحقق آرزوهایشان باید ابتدا خودشان را کشف کنند و برای رسیدن به تحقق کامل آن تلاش نمایند.

آموزه ی دیگر این خرس تکیه به هیکل قوی و بزرگش نیست. او مهربانی را بیشتر ترویج می کند. دل رحم است. برای همین در عین دیدن ورزشی خشن کودکان آنچه را که مشاهده می کنند، لطافت است. شاخصه ای که این پاندا را بیشتر محبوب کرده و باعث خنده های کودکان می شود. آنچه که هر کودک در هر جا و مکانی از دنیا را به این بازخورد می کشاند.

شاهد این ادعا، هنگامی است که این پویا نمایی در آغاز با یک فیلم به خانه ها آمد. اما در ادامه به علت محبوب شدنش مبدل به سریال و قسمت های متعدد شد. وقتی این حجم از اشتیاق نه تنها در کودکان که در بزرگسالان برای دیدن این پویانمایی دیده شد، هوشیاری نویسنده و کارگردان را به این سمت و سو برد تا به تولید مجدد و موفق خود ادامه دهند.

بگذارید یک حرکت مهربانانه ی این پاندا را مرور کنیم. وقتی که دشمنان جامعه او در خطر نابودی قرار می گیرد

شود که این امر فراتر از هدر رفتن منابع مالی و زمانی، تأثیرات منفی غیرقابل جبرانی خواهد داشت.

غیبت سریال های تلویزیونی

سهیلا سادات حسینی: دهه هاست تلویزیون در زمان هایی مانند ماه مبارک رمضان، محرم، عید نوروز و امثالهم، سریال های مناسبی تهیه می کند که مورد استقبال مردم نیز بوده است؛ اما این روزها آن حضور پررنگ در خاطرات جامعه، کم رنگ و کم رنگ تر می شود و مدتهاست در این ایام، یا سریالی ساخته نمی شود و یا اگر هم تهیه شده است، نتوانسته جاذبه های قبلی، که اصطلاحاً خیابان ها را خلوت می کرد، تکرار نماید. محرم امسال نیز در ادامه ی این روند رو به زوال، فقط سریال «عشق کوفی» از شبکه سه و «شب آخر» از شبکه تهران بر روی آنتن رفتند. «عشق کوفی» با وجود تبلیغ های بسیاری که برایش صورت گرفت. نتوانست جا پای سریال هایی چون مختارنامه، معصومیت از دست رفته، سفر سبز، شب دهم بگذارد و «شب آخر» هم در سکوت کامل و چراغ خاموش گذر کرد.

این در حالی است که بیگانگان با بهره بردن از خلأهای نادیده گرفته شده در داخل، بیشترین سرمایه گذاری و جاذبه را برای متأثر کردن فرهنگ کشور عزیزمان انجام می دهند. آیا وقت آن نرسیده که از خواب زمستانی بیدار شده و هوشیارانه تر و با دلسوزی بیشتری از ظرفیت های ناب موجود استفاده ی بهینه شود و جایگاه واقعی رسانه !! در انتقال و تثبیت فرهنگ مورد توجه قرار گیرد؟



حاضر به کشتن آن‌ها نیست و آن‌ها را از مرگ نجات می‌دهد. ذکاوت خرج شده در قلم نویسنده که قدرت زیاد را در کنار مهربانی قرار می‌دهد، شایان ذکر است که در کنار ساخت و تولید حرفه‌ای بسیار خودنمایی می‌کند. شوخی‌های بسیار ملموس که در صداپیشگی که ایرانیان بر آن نهاده‌اند نیز بسیار زیبا و دوست‌داشتنی است. آنچه که در پویانمایی‌های جدید ایرانی همچون لوپتو و بچه‌زنگ و دیگر کارهای صورت پذیرفته باید بدان توجه بیشتر نمود. به نحوی که بزرگسالی همچون صاحب این قلم را مجذوب خود کند.

فاطمه محمودی



تعادل کار و زندگی و استرس

فشار فرهنگ کاری به طور فزاینده یکی از بزرگترین عوامل ایجاد استرس در میان عموم مردم است.

در حالی که در حال حاضر، میانگین ساعات کار تمام وقت ۴۸ ساعت در هفته است، افزایش چشمگیر ساعات کاری به دلایل اقتصادی نیز دلیلی دیگر برای عدم وجود آرامش در سبک های زندگی امروزی است. به بیان دیگر، هزینه های انسانی استرس ناشی از کار مدیریت نشده امروزه روز بسیار بسیار زیادتر شده است. لکن، احساس نارضایتی از مقدار زمانی که در محل کار می گذرانید و بی توجهی به سایر جنبه های زندگی به دلیل کار، ممکن است آسیب پذیری شما را در برابر استرس افزایش دهد. افزایش سطح استرس، اگر به اندازه کافی به موقع رسیدگی نشود، می تواند منجر به فرسودگی شغلی یا مشکلات شدیدتر سلامت روان شود.

جالب است بدانید که مشکلات سلامت روانی مانند اضطراب و افسردگی علت اصلی غیبت های کاری هستند که تا چهل درصد از مرخصی های استعلاجی را تشکیل می دهند. در نتیجه، بیماری روانی در حال حاضر بخش قابل توجهی از بیماری های طولانی مدت و بازنشستگی پیش از موعد را به خود اختصاص داده است. به نحوی که به عنوان عامل اصلی بیماری برای بیست درصد از کارمندان معرفی شده است.

پول و استرس

آنچه که امروز نگرانی هایی مربوط به پول و بدهی همراه با فشار زیادی بر ما وارد می کند، جای تعجب نیست که آنها تأثیر قابل توجهی بر سطح استرس ما داشته باشند.

لحظه ای با دکتر:

مطالعه ی آرامش برای آسایش (۵)

استرس می تواند ناشی از تحولات بزرگ و رویدادهای زندگی مانند طلاق، بیکاری، خانه تکانی و سوگواری باشد یا به دلیل یک سری ناراحتی های جزئی مانند احساس کم ارزش شدن در محل کار یا در مشاخره با یکی از اعضای خانواده. گاهی اوقات صورت بپذیرد، اما دانشمندان هیچ دلیل واضحی برای آن ندارند. بر این اساس در نتیجه این عوامل می گویند: ممکن است سردرد، تنش عضلانی، درد، حالت تهوع، سوء هاضمه و سرگیجه با استرس تجربه شود. همچنین ممکن است سریعتر نفس بکشید، تپش قلب داشته باشید یا از دردهای مختلف رنج ببرید. روندی که شما را در دراز مدت، ممکن است در معرض خطر حملات قلبی و سکته قرار دهد.

روابط و استرس

در مواقعی که احساس استرس می کنیم، روابطهای ما پشتیبان خوبی برای بازگشت حال مناسبمان هستند. با این حال، هر از گاهی افراد نزدیک شما، اعم از شریک زندگی تان، والدین، فرزند، دوست یا همکار می توانند سطح استرس شما را کاهش یا افزایش دهند.

البته رویدادهایی مانند مشاخرات و اختلافات جزئی مداوم، بحران های خانوادگی بزرگ تر مانند رابطه ی جنسی، بیماری یا سوگ نیز بر طرز فکر، احساس و رفتار شما تأثیر می گذارد و شما را به استرس نزدیک می کند. شما باید درباره سرمایه گذاری بر روابط سالم بیشتر مطالعه کنید و بیشتر بدانید.

و کاهش موقت احساس اضطراب استفاده کنند. اما، الکل می تواند مشکلات سلامت روان موجود را بدتر کند. این می تواند در دراز مدت احساس اضطراب و افسردگی بیشتری در شما ایجاد نماید.

داروهای تجویزی مانند آرام‌بخش‌ها و قرص‌های خواب نیز که ممکن است به دلایل بسیار موجه مانند بیماری‌های گوارشی یا جراحی‌های متداول و یا غیره تجویز شده باشند، در صورت مصرف طولانی مدت نیز می‌توانند باعث مشکلات روحی و جسمی شوند.

باید بدانید که مواد مخدر مانند حشیش یا قرص‌های اکستازی، به طور معمول و متداول برای به اصطلاح اهداف تفریحی و شاد کردن افراد مصرف می‌شوند. اما نمود آن و مشکلات آسیب زایش زمانی شروع می‌شود که بدنشان به مصرف مکرر دارو عادت می‌کند. این منجر به نیاز به افزایش دوز برای حفظ همان اثر می‌شود. پس سوال اصلی این است که چگونه می‌توانید با استرس به خودتان کمک کنید؟ موضوعی که در ماهنامه بعد بدان خواهیم پرداخت.

به قلم دکتر یاسر اصلانی



باری، اثرات بحران هزینه‌ی زندگی امروزه همه را تا حدی تحت تأثیر قرار داده است. به طوری که در یک نظرسنجی از ۳۰۰۰ بزرگسال که توسط بنیاد سلامت روان در نوامبر ۲۰۲۲ در انگلیس انجام شد، نشان داد که از هر ده بزرگسال یک نفر نسبت به شرایط مالی خود احساس ناامیدی می‌کنند و بیش از یک سوم احساس اضطراب و تا حدودی از هر ده نفر، سه فرد احساس استرس داشتند.

بنابراین، ترکیب استرس مزمن و این نوع اقتصاد می‌تواند منجر به افسردگی و اضطراب شود. به نحوی که به عنوان عامل اصلی مرتبط با افکار و تلاش برای خودکشی برجسته می‌شود.

در نتیجه اگر نگران تأثیر فشار اقتصادی بر سلامت روحی و جسمی خود هستید، می‌توانید با مشاور دین دار و اهل اخلاق و مورد اعتماد صحبت کنید.

استعمال دخانیات، الکل و مواد مخدر و استرس

برخی افراد سیگار می‌کشند، الکل می‌نوشند و برای کاهش استرس از مواد مخدر استفاده می‌کنند. اما، این کارها همواره مشکلات را بدتر می‌کند.

تحقیقات نشان می‌دهد که سیگار کشیدن ممکن است احساس اضطراب را افزایش دهد. زیرا نیکوتین یک احساس آرامش فوری، موقتی ایجاد می‌کند که می‌تواند منجر به علائم ترک و هوس شود.

مشابه همین افراد، کسانی ممکن است از الکل به عنوان وسیله‌ای برای مدیریت و کنار آمدن با احساسات دشوار

Iran's Sacred Defense helped to develop the culture of Resistance



In the Name of God, the Compassionate, the Merciful

All praise is due to God, Lord of the Worlds, and peace and greetings be upon our Master, Muhammad, and his pure, immaculate, chosen Progeny, particularly the Remnant of God on earth.

I profoundly thank Almighty God for giving me the opportunity to attend this magnificent, comprehensive, meaningful meeting. I would like to extend my thanks to those who organized this event. Also, I would like to thank the brothers and sisters who presented various programs for an hour or so at the beginning of this meeting. The recitation of the Quran was good, the anthems that were sung were excellent — in terms of both the poetry and the music — the elegy was very good, and the speakers spoke about very good matters. Almost everything that is in our hearts and in our minds regarding the Sacred Defense and its relationship with the people were mentioned by these ladies and

gentlemen. Nevertheless, there is a need to reflect on and to think about these matters in order to find solutions, God willing.

What I would like to say is that the event of the Sacred Defense is a prominent, important period in our country's history. We should understand this period and this important event properly and introduce it to future generations. I strongly believe that if our succeeding generations learn about the important, meaningful aspects of the Sacred Defense and realize how the Iranian nation was able to reach the heights of victory in this important event and to stand up there with power and pride, they will learn great lessons from it and they will achieve great things. This is my firm opinion.

The greatness of this event must be recognized. Much has been done [in this field], books have been written, films have been made, and memoirs have been narrated; however, in my opinion, there is still much more room for work to be done. Up until now, we have not been able to recognize or make known the details of this great, colorful painting. We are looking at it from a distance. But if we look at it closely, we will find that in every piece of it there is so much beauty, so many fine points, and so much meaning and depth that one is amazed. Each piece of it is like this, and this information must be made known to people.

Of course, I obviously do not intend to carry out this goal in this meeting, it is impossible. It is a large, extensive, comprehensive task. Nevertheless, I would like to speak about some aspects of it. We want the greatness of this event to be known. The greatness of this event can be looked at from several angles and

perspectives. One of its angles concerns what was being defended, because we are talking about a Sacred Defense. So, what were we defending? That's the first issue. If we look at it from this angle, an important part of the greatness of this event will become apparent.

Another angle is who was the defense confronting? Who was it that had attacked us that necessitated a defense? This is another angle which I think is important. The third perspective or angle is who were the defenders? This is also a novel and important thing that I will mention two or three sentences about. The fourth angle is what were the results and achievements of this defense?

Now I have mentioned these four aspects, but of course, it can be viewed from other angles as well. So, we need to discuss this. We need to think, study, and ask ourselves what was being defended? Second, who was the defense confronting? Third, who was doing the defending? Fourth, what was the result of this defense? I believe that each one of these issues is very important. We need to think and study each one of these issues. This is very important.

As to “what was being defended,” the Islamic Revolution, the Islamic Republic — which was the product of defending the Islamic Revolution — and the country's territorial integrity were being defended. These were the three important things that were being defended. The other side had attacked these three things. Of course, the target of the main, important part of the front of the enemy, which I will explain later in the second part of my speech, was not the issue of territorial integrity. That was Saddam's goal. Their target

was the Revolution. They wanted to suppress this unparalleled, great, important Revolution that had taken place in Iran thanks to the sacrifices that had been made by the people.

Why do we say it was unparalleled? Because it was a phenomenon that had not taken place before in major revolutions. It was democratic, it was religious, it was authentic, and it was not dependent. It was related to a nation. It was by the people. It was not like coups, revolutions by political parties, or things of that sort.

This Revolution was able to remove the dependent, corrupt system that was ruling the country and establish a new system and a new voice in its place — the Islamic Republic. “Republic” means democracy. “Islamic” means religion. Religious democracy was a new term in the world. We have had religious governments throughout history, but there was no talk of democracy in them. We have had democratic governments, real or fictitious, but there was no talk of religion in them.

Never before had there been a government or a system in which religion and this world, this world and the hereafter, and people and God were all involved and were the builders of it. But such a thing happened and they wanted to crush it, overcome it, and eliminate the Islamic Republic. This was their target, and this has remained their target up until today. They come up with all different types of excuses, but as to those who are against the Islamic Republic, are opposing it, and are hostile toward it, their problem is with the “Islamic Republic.” Other marginal issues are of less importance. This is their main issue and it was back then as well.

Of course, there was a wicked, greedy person

such as Saddam in the midst of this who was far removed from any aspect of human decency. He had another goal as well, which was to destroy the Islamic Republic, to invade and assault the country's territorial integrity, to take the oil-rich regions of the country, and to divide the country. These were his goals, but the other parties didn't care much about these things. Their main concern was that [the Islamic Republic].

There is a big difference between a war that takes place with the aim of changing a part of the border between two countries and a war that takes place to destroy the thing that constitutes the identity of a nation. Many wars take place in the world. There are border wars, which aim to seize lands. However, a war that targets the identity of a nation, all a country has, and the achievements that a nation has gained with its sacrifices — such as the Islamic Revolution — is different from those wars. This event is different from those events.

So, what was defended were these basic, important points. The issue was not only about a part of the border being moved back or being pushed forward or about changes in geographical borders. Of course, even if that were the case, that would still be important. But the importance of this cannot be compared to that. So, this was about what was being defended, the issue of defense.

Now, let's consider the second angle, which is [the question of] "who were the aggressors?" If we look at the matter from this perspective, the greatness and importance of the Sacred Defense will become clear. There are times when a country attacks another country. Or at

times an alliance of two or three governments or two or three powers attack a place. But there are times when the entire world attacks a country. This was the case. I am not exaggerating about this, and when I say "the entire world," I am not referring to some remote country that has no influence on what is taking place in the world. All of the world's important powers back then formed a common front and contributed to the attack that was launched on us, on the Islamic Republic and the Islamic Revolution.

The US contributed in one way, various countries in Europe contributed in another way, and the Eastern Bloc, which was led by the Soviet Union back then, contributed in their own way [to this attack]. It was said that the Americans were the main instigators behind the attack on Iran. Now, of course, documents have been published about this, I have not seen or carried out any research in this field, but that is what was said. It was widely talked about that the US was the main instigator behind Saddam's war on Iran. Then, during the war, the most critical form of assistance, which was assistance in intelligence, was provided by the US.

At that time, it was not like today. All these facilities did not exist at that time. But aerial maps were readily available to the Americans. They would easily map the positions and arrangements of our forces and continuously put these at their [the Iraqi forces'] disposal, one after another.

It is obvious that the Americans provided this kind of support [to Saddam]. They provided Saddam with tactics for warfare. And there were the Europeans [and their support]. The

French provided the most advanced aerial equipment to Iraq, including Mirage fighters, Super Étendard [aircraft], and Exocet missiles. These were the most advanced equipment in the world at that time and they provided these to Saddam.

The Germans provided Saddam with the opportunity to procure chemical weapons, which caused all this tragedy in Iran and even in Iraq itself, in the city of Halabja and other places. Such crimes were committed by the very countries that make so many claims today!

The Eastern Bloc, the former Soviet Union, and countries in Eastern Europe gave Iraq whatever it needed in terms of ground and aerial equipment. They provided whatever it needed. Missiles were costly at that time, so they decided to provide it with artillery that could reach Tehran. In other words, they equipped Saddam's artillery systems to a degree that he could target Tehran at a low cost and cause disruptions. They did whatever they could to assist him.

The Arabs in our region, the Arab countries, provided him with unlimited amounts of money. All these things that he imported and bought from European countries were bought with the money given to him by our Arab friends. They gave him both money and transportation routes. The region on the border of the southern part of the Persian Gulf was the place where trucks and heavy vehicles were constantly bringing equipment to Iraq. So everyone helped Saddam, everyone! The aggressors were these.

But what about us? We didn't have anyone to support us. Even the provisions and weapons

that we were prepared to purchase were not given to us except on rare occasions. There were a few very minor cases where we were able to buy and import a product from a place by paying more money than was conventional and usual with great difficulty and with much effort. But this had absolutely no effect on the inequality in the war, nor was this able to reduce this inequality by even a bit, [no] that is not how it was.

So, in a battle like this and in such a confrontation, the Iranian nation was able to stand on the heights of victory and demonstrate its magnificence to the world. This is greatness.

The third aspect which is about "who were the defenders?" is also an exceptional matter. Well, there was the Army, there was the IRGC, and the Basij forces were present in the form of IRGC units. These are more or less similar to what we see in the world today. In other words, their appearance was similar to present day armed units, but they weren't just that. They weren't that. Yes, the appearance of those who were defending, the appearance of the Army, and the appearance of the IRGC seemed to be similar to the conventional settings we see around the world, but they were something else internally. Internally, they were not at all similar to the world's military campaigns.

First of all, the commander of this collection, the magnanimous Imam Khomeini, was a divine man. He was a unique, divine person who, along with his knowledge, thought, experience, and maturity in various areas, possessed a clear soul and spiritual purity. Therefore, his words were influential.

For example, consider when he said, "Paveh must be rescued." I heard this from the late

[Mustafa] Chamran who said, “As soon as Imam Khomeini’s message was broadcast on the radio at two p.m.” — they were under siege in Paveh and the enemy had surrounded them — “as soon as this message was broadcast, although no forces had yet arrived, and perhaps they had not even been deployed, we saw that the way had opened up around us.” This message, these words were effective in themselves. I heard this from Chamran himself, our dear martyr.

[Or when Imam Khomeini said], “The siege on Abadan must be broken,” there was no question about this. The siege was broken. In various instances, for example, in the case of Susangerd and the conflict over the attack on Susangerd, there were questions about whether we should go there to defend it or not. There were problems with regard to it. When Imam Khomeini’s message came, via a mediator, the issue was resolved. [We had] a commander like him whose words were so influential and benefited from spirituality, purity, and a strong spirit.

Furthermore, there was the religious color of the Sacred Defense, the religious color. When there is a religious color, what happens is that this young man takes action while eagerly awaiting martyrdom. Read the biographies that have been written [about the martyrs]. They set out with the hope of being martyred. They would cry because they wanted to go to the battlefield in the hope of becoming a martyr. This is what happens when there is a religious color. The families of these young men, their fathers, mothers, and wives, would give their approval and send them to the battlefield, for the cause of God.

I have often visited the mothers of martyrs

[who, for example, had one or two children who were martyred. They would say that even if they had had ten children, they would have been prepared to offer them as martyrs. They were honest. They were saying this in truth. Now in this exhibition here, they showed us a few instances. There was a woman who was the mother of nine martyrs! Is this a joke? A mother of nine martyrs or eight martyrs — can you even imagine such a thing? But this happened.

I myself saw a family in Kurdistan where seven people from one family, what comes to my mind now is that there were seven people, were martyred. The first time I saw them their mother was alive and their father was also alive. Later on, their father passed away. Seven martyrs from one family. What else but a religious factor can cause such a thing? This is the factor of "religion." These people were the defenders.

The front lines of our battlefield were mihrabs [the place in front of the mosque where the prayer leader leads the communal prayers] of worship. In the middle of the night, a young man, a commander, or someone who was not a commander, a company, or a battalion would sit down, shed tears, cry, and pray. This did not happen in just one, two, or ten cases. This was happening in all the various areas of the front. Where in the world, in which war, in which military conflict, has such a situation ever been seen? Where has there been this passion for martyrdom, these invocations, such attentiveness to Almighty God, a desire for martyrdom, and such things? There was also the general presence of the nation. In other words, the battlefield did not just consist of the area where there was a conflict taking place. Areas behind the fronts were also part

of the battlefield, like the places from where the forces were being supplied.

Around the world, military bases are the place where forces are supplied from. But here, they came from the military bases, mosques, heyats, universities, seminaries, and schools. A schoolteacher would go to fight in the war and his students would follow him. There were many martyrs who were [high school] students, many who were university students, and many who were seminary students. A large number of people from the mosques and a large number of those who spoke for the people on the minbars served this magnificent movement. These people were the defenders.

There were families, housewives, and others in various sectors who were supporting the effort as well. In places where they were working to support our troops, they would wash the blood-stained clothes of the soldiers. This has been written about in the book *The Pool of Blood*, and I have mentioned this book before. The entire nation was involved in these affairs.

Now, I am not saying that every single person in the nation was involved, but this movement took place among the general public and among different levels in society. It was not limited to a group of people who would leave the barracks to fight and return. The greatness of an event can be well understood from this factor and factors of this kind.

In my opinion, dozens of clarifying and artistic works can be produced with regard to this aspect, especially with regard to this third aspect [“who were the defenders?”]. Work should not be limited to merely writing books. Now, I was just told that apparently they are

making a movie based on the book *The Pool of Blood*. Hundreds of interesting works of art can be created like this and, God willing, they should be created. Some work has been done already, but more things need to be added.

In terms of achievements, these are not limited to just a couple of achievements. If someone were to look into the achievements of the Sacred Defense, they could write tens of volumes of a book in this field. I will just mention a few points regarding this. First of all, the country’s territorial integrity was preserved, which is very important. The entire world had united with Saddam to infringe upon the borders. They tried for eight years, but they failed to take over even an inch of the country’s land. This is not something easy or insignificant at all. This is very important. This is one of the achievements, but the other achievements are more important.

One achievement was that the Iranian nation discovered the greatness of its capabilities. Consider the younger ladies and gentlemen who came and spoke here today. They keep saying that we should apply and use the techniques used during the Imposed War, the Sacred Defense, in the administration and management of the country, in the economy, and in other such areas.

What does this mean? It means that during the Sacred Defense, the capabilities of the Iranian nation were seen so clearly that everyone wants to follow those approaches in all sections of the management of the country, the development of the country, and the growth of the country. In other words, the Sacred Defense brought an image in front of the Iranian nation that allowed it to recognize itself. What we were told throughout history and the way we were

treated was the opposite of this. During the period of the Qajar and during the period of the Pahlavi, it was continuously instilled in us that we can't, that we aren't anyone important, that we aren't worthy of anything, and that the world powers are able to wipe us off the face of the earth with one motion. This is what we were taught.

They had always told us that we should learn from them, that we should follow them, and that we should ask them for things. The Sacred Defense showed us otherwise. It showed us that those very people, whom some [still] depend on and pin their hopes on, join forces and take action against our nation, but can't do a damn thing! [The Sacred Defense] showed the Iranian nation this.

So, we discovered our own capabilities. We realized that a young man like Martyr Hasan Baqeri — not to mention those who are alive as we have plenty of similar people who are still alive — gets up and goes to the battlefields and becomes a strategist in a short period of time. In other words, he becomes a defense and war strategist. Is such a capability a joke? Where was this talent? Martyr Hasan Baqeri was a young man. He was a newspaper reporter. He wrote articles for the Jomhuri-e Eslami newspaper.

This talent flourished. We have thousands of similar examples of such talent, such as talent in construction. Is it a small achievement to build a bridge over the turbulent, wild Arvand Rud [border river between Iran and Iraq] and to have several armies cross while being bombarded by the enemy? Was that even possible? The enemy couldn't believe such a thing could happen, but it did! That was a capacity. It was a talent. It was hidden, but it

became apparent.

This is one of the important achievements. By referring to the work that our youth carried out in those days during the Sacred Defense, we can now confidently say that our youth can solve all of the country's problems today. When it is said, "In changes of circumstances, the essences of humans become known" (Nahj al-Balaghah, Wisdom 217), it is not just about people. It is about societies as well. You can see the true colors of a society in difficult, problematic events.

We did not know ourselves and neither did other people. The world did not know us either. During the Sacred Defense, we learned about ourselves, and others learned about us too. Those who were making so many [false] claims in the world realized who we are.

Another achievement of the Sacred Defense was safeguarding the country. It safeguarded the country. In other words, the Sacred Defense safeguarded the country against possible military attacks to a large extent. They kept saying that military action is also on the table. But it did not even budge from the table, because they knew that if they were to enter this field, they may be able to initiate it, but they will not be the ones to finish it. This was what the Sacred Defense demonstrated. This is another achievement.

Deep, sincere faith, strong, firm determination, the intelligence of the Iranian youth, the ability of military and non-military elements to use initiative and innovation, and the ability to overcome global aggressors were the things that were revealed and seen about our nation and our soldiers during the Sacred Defense. Well, the nation itself recognized these things.

Naturally, when we recognize and understand that we have these abilities, our hope will increase, our vitality will increase, and we will try to use these capabilities even more. We can use these capabilities in other fields as well. This is one of the important achievements of the Sacred Defense.

Another achievement of the Sacred Defense was that it expanded our frontiers. I am not speaking of geographical borders. We did not seek to expand our geographical borders, neither at that time nor now. We are not seeking to expand our geographical borders. The Sacred Defense expanded our other frontiers, such as the frontier of resistance. This is an example.

Today, the concept of resistance and the element of resistance is an established element. There is resistance in Palestine, there is resistance in West Asia, and there is resistance in various other countries. There is resistance in Iraq. There is resistance in Iran and in various places. The Sacred Defense raised and promoted the idea of resistance around the world. It established resistance in many parts of the world. We ourselves may find it hard to believe that the actions of the Iranian nation have had such an impact in distant countries. But they have had such an impact. We have information about this.

I do not wish to name the countries. A large number of the Iranian nation's activities have served as a model for many people in the East — in Asia — in Africa, and also in Latin America. This is what expanding frontiers means. Our intellectual and cognitive borders have expanded. This is a nation's greatest success to be able to expand its own culture, understanding, knowledge, and wishes in the

world. This mainly took place by way of the Sacred Defense. The eight years of the Sacred Defense worked miracles in this aspect. It spread the culture of self-reliance.

Now, when we speak about resistance, we want to see whom this resistance is standing against. Our region, West Asia, is one of the regions that the world's power-seekers have been focused on for various reasons. The powerful countries of the world have focused on this region and tried to interfere in it because of its resources, because of its geographical location, because of its being a center for Islam, and for multiple other reasons. Even now, we can see that the powerful countries interfere and intervene whenever they have the opportunity. The resistance is standing against these things. The culture of resistance against the domineering presence of powerful countries that have no right to be in this region has now spread widely.

This is the reason why the issue of the presence of Iran in this region has angered the US and some other countries. What is understood is this: Iran's presence means Iran's interference. However, we do not interfere. Yes, we are present, but we have a spiritual presence. Others have official bases in many of the countries in this region. We do not [have bases], yet we are spiritually present. Our spiritual presence is much more than theirs. This is what angers them. This is what the Sacred Defense gave us.

One of the effects of the Sacred Defense has been the growth and reinforcement of the idea of resistance within the country itself. My dear ones, over 30 years have passed since the war. During these 30-some years, we have been attacked on many occasions. We have seen

numerous seditions in different areas, many of which were not noticed by most people. But they took place. Some of them took place before everyone's eyes as you have witnessed during different years. All these seditions failed due to the Iranian people. Why? Because the Iranian nation has institutionalized the practice of resistance within itself.

The culture of resistance has become institutionalized in the country over the past 30-plus years due to the eight years of resistance during the Sacred Defense. Our country is indebted to the Sacred Defense for its continued existence. Some people want to damage it, some create doubts about it, some distort the truth about it, and others tell outright lies about various issues concerning the Sacred Defense. In response to these actions, those who are able to clarify matters should clarify them. We must talk about and clarify the greatness of the Sacred Jihad and the Sacred Defense more and more every day. This is one of our duties.

The current activities that are being done, which were reported to us now, are good, but these should be increased a hundred fold! We have the capability, we have the resources, and we have the talent. We can make artistic works, we can make good movies, we can write good books, and we can write novels based on real events. We can do these things, but we must also not forget or lose sight of our goal in the process.

Sometimes work in the field of the arts is done with the intention of supporting this path, but that's not how it turns out at the end. This is because confusing, worried thoughts come up on the way that cause people to forget and lose sight of the goal. You need to be mindful

of this. Abundant work needs to be done in the field of the arts. Everyone should do this in the way they are capable of doing. What I have said [so far] today was regarding the Sacred Defense.

But I would like to say a few words about the Armed Forces, which is also appropriate for today. During the war, our Armed Forces worked hard, and they truly made great sacrifices in different areas. I would like to say a few words about the Armed Forces.

First of all, the Armed Forces are one of the definite honors of every society. Their presence and existence is one of the main elements without which a society cannot survive. Consider the fact that someone like the Commander of the Faithful (pbuh) says, "The army is the fortress of the people" (Nahj al-Balaghah, Letter 53). It is the people's fortress. The Commander of the Faithful is saying this. This is not a joke. The army is the fortress of the people. In other words, the Armed Forces provide security.

We must appreciate the Armed Forces. The honor and dignity of the Armed Forces must be considered to be one of the essential, necessary issues. We must respect the Armed Forces. The Armed Forces provide security. Security is everything. If there is no security, there is no science, there is no economy, there is no peace of mind for families, and there is no comfort. Security is everything in a country. The Armed Forces provide security.

The Armed Forces should be taken care of in different ways. Their presence should be valued and their efforts should be respected. This applies to those who establish this security on our borders as well as those who

ensure security inside the country. Some have safeguarded the borders so that insecurity does not creep inside the country from outside the borders. Some others have confronted those that create insecurity inside the country. This latter group is also valuable. They need to be taken care of.

Well, the enemy has concentrated on this point as well. One of the things that our enemies stress is harming the value of the Armed Forces or damaging the honor and dignity of the Armed Forces. They work in these areas using all kinds of methods. We need to be mindful of this.

There is a point that I would like to bring to the attention of the Armed Forces that I believe is very important. And that point is that the logic of power in Islam is not the logic of “supremacy.” In materialistic systems, what is meant by power is supremacy. Supremacy means lording over others, considering yourself to be superior to others, imposing yourself on others, putting your problems on other people’s shoulders, and humiliating others. This is the definition of power [in materialistic systems]. The one who gains power gains supremacy as well.

One of the negative concepts in the Holy Quran is this issue of supremacy, “Indeed, Pharaoh tyrannized over the land” (28:4). This is supremacy. The logic of power in Islam is not the logic of supremacy. In other words, the more your power increases and the more your capabilities increase — either your inherent capabilities or your legal capabilities — the more humble, flexible, and attentive to God you need to be!

Most of you have probably heard the story

about Malik Ashtar. Malik Ashtar was a brave, strong commander in Imam Ali’s (pbuh) army. He was a strong arm for the Commander of the Faithful. That is who Malik Ashtar was. He was walking in Kufa — this story apparently took place in Kufa — when a young boy who didn’t recognize him saw him and started to ridicule him. Maybe his clothes or his turban were in a way that seemed funny to the boy. The boy ridiculed him and laughed. He [Malik] didn’t say anything and left.

After he had passed by and left, someone asked the boy if he knew who he had just ridiculed. The boy said, “no.” He told the boy, “That was Malik Ashtar.” The boy became frightened and said, “Now that I have treated Malik Ashtar in such a way, what will he do to me or my family. What should I do?” The man said, “Go apologize to him.” The boy went looking for him to find him and to apologize. He saw Malik Ashtar go into a mosque and become busy with praying. The boy waited for his prayer to finish, then the boy went up to him and said, “Sir, I am sorry. I didn’t recognize you. I was rude to you. Please forgive me.”

Malik Ashtar said, “I came to this mosque and performed two rakat of prayers to pray for you.” After all, a young person who acts in such a rude way requires prayers, and we should pray for him. [He said,] “I came here to pray for you.” See, this is the type of man that Malik Ashtar was.

The higher your military rank and power, the humbler and more compassionate you should be. Having authority is not in conflict with being polite. Authority is not in conflict with kindness. You heard how this gentleman spoke about a young man who took part in a sedition. He then went to prison, was pardoned and

came out [of prison]. Rahian-e Noor [religious caravans that travel to the former battlefields of the Iran-Iraq war to narrate the events of that time for the younger generation] started their trips and he joined a group, not for the sake of seeing the battlefields but to go sightseeing. He decided he would just go to walk around. When he went there, the narrator [describing the events of the Sacred Defense] spoke a few words and the young man started crying and sobbing loudly. He cried saying, “That [what I did in the sedition] was dishonorable!”

Having authority is not in conflict with being soft-spoken. You can sometimes achieve more and better things when you are soft-spoken. Of course, some places require you to act differently. Every place has its own requirements. The Armed Forces should value, respect, and give importance to their work. They should be proud of what they do. People should also appreciate them.

All of us should know that as long as we work, move, and speak for the cause of God, He will help us. This is God’s promise: “If you help Allah, He will help you” (Quran 47:7); “Allah will surely help those who help Him” (Quran 22:40). If your intention is helping God, Almighty God will definitely help you. At times we understand and recognize how we are being helped, but sometimes we don't. We see that we are being aided and we see that our work is progressing smoothly. That is God’s help.

Let’s make our intentions for God. Making our intentions for God does not mean that whenever we want to do something, for example, we need to say [out loud] that we are doing it to seek God’s pleasure. No, when you show mercy to people, this means your

intention is for God. When you seek to serve your country, this means your intention is for God. When you want to create a work of art that guides a few people, this means your intention is for God. When we do something with the intention of pleasing God, Almighty God will help us.

May God’s greetings, mercy, and blessings be upon you

**sayes
man**

@sayesman



Ashura

